

مقتدای ما، دخت مرتضیٰ علیه السلام

زینب دختر علی علیه السلام زنی عالم و دانشمند بود و
برای اینکه خواهران مؤمن به او اقتدا کنند
باید حوزه‌هایی تأسیس شود که مسئولیت
آموزش زنان مؤمن را عهده‌دار شود.

سید احمد الحسن علیه السلام، صفحه رسمی فیس‌بوک، ۱۴ فوریه ۲۰۱۳

تفحصی در بشارت موسی
یهوه چگونه از ساعیر طلوع کرد؟

الگوی برای زنان مهدوی
جایگاه تاریخی حضرت زینب علیه السلام در
یاری و نصرت امام زمانش

احمد الحسن از دیدگاه دین
و علم پاسخ می‌دهد

راه برون رفت از مشکلات
اقتصادی چیست؟

آیا معلول بودن و مشکلات، به
معنی ظلم خدا به مردم
است؟

احکام پزشکی در
کلام سید یمانی علیه السلام

زنجیر اسارت برپای
آزادی خواهان



سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پیام‌های خردمندانه

فهرست

- جایگاه تاریخی حضرت زینب علیها السلام در یاری و نصرت امام
زمانش ۳
- راه برون رفت از مشکلات اقتصادی چیست؟ ۵
- یهوه چگونه از ساعیر طلوع کرد؟ ۷
- زنجیر اسارت بر پای آزادی خواهان ۹
- آیا معلول بودن و مشکلات، به معنی ظلم خدا به مردم است؟ .. ۱۴
- ضرورت الگوسازی برای کودکان از کلام سید احمد الحسن علیه السلام
و علم روان شناسی ۱۸
- احکام پزشکی در کلام سید یمانی علیه السلام ۲۰
- حضرت زینب مقتدایی برای زنان با ایمان ۲۴
- دخت کوثر ۲۶



هفته‌نامه زمان ظهور

هفته‌نامه زمان ظهور، شماره ۹۴، جمعه ۲۱ آذر
۱۳۹۹، ۲۵ ربیع الثانی - ۱۴۴۲، ۱۱ دسامبر
۲۰۲۰

صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت
راه‌های ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



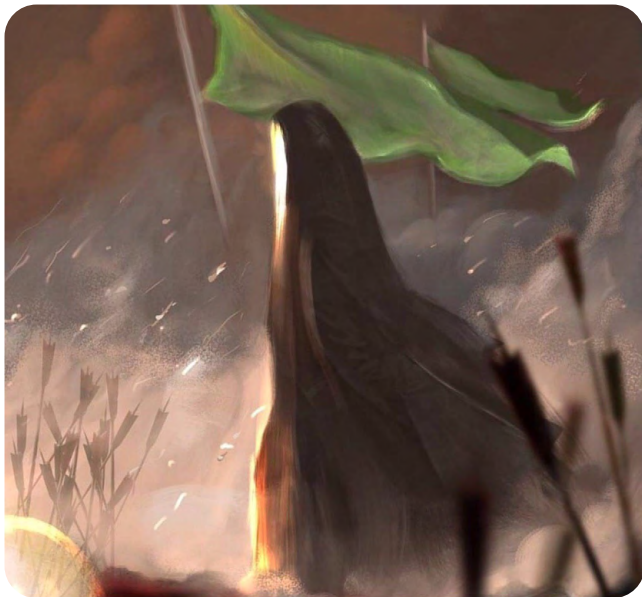
هر گونه برداشت از هفته‌نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام
علی محمد و آله الطاهرین



«... نقش زینب در کربلا بس بزرگ و اساسی بود. او از زندگی امام علی بن حسین وارث طرح و برنامه الهی-محافظت کرد. او در کربلا از امام پرستاری کرد و سپاه اموی یزیدی نتوانست موفق به کشتن آن حضرت شود و به موضع گیری هایش در سپردن خود برای امام زین العابدین ادامه داد تا وقتی از اسارت سپاه اموی یزیدی بازگشتند.» [۲]



«این برخی از مواضعی است که روشن می کند چگونه زینب (ع) از امام زین العابدین (ع) وارث پروژه الهی محافظت کرد و سپر ایشان بود:

۱. وقتی امام زین العابدین (ع) به کاخ وارد شد، این اتفاق افتاد: ... علی بن حسین (ع) مقابلش آمد. به او عرض کرد: تو چه کسی هستی؟ فرمود: من علی

«زینب دخت علی سببی برای استمرار امامت و خلافت الهی بود...
 با وجود آنکه امام و خانواده خود را از دست داده بود...
 و بهترین های اهل زمین از یاران برادران و پدر خود را از دست داده بود...
 و همه این ها در یک لحظه رخ داد...
 ولیکن شکسته نشد؛ چنانچه حالت طبیعی ژنی انسانی این طور اقتضا می کند.
 ایشان بی درنگ قیام را انتخاب کردند...
 و در دهم محرم و بعد از آن به تنهایی سپاه و امتی شد... خودش را با کرامت و سخاوت بر مرگ عرضه کرد، و هدف خود را به بهترین وجهی که قابل تصور است به انجام رساند و از زندگانی علی بن حسین سجاد (ع) محافظت کرد؛ به همین سبب ایشان بابت استمرار امامت و سلسله جانشینان و پیامبران خدای سبحان، دارای مقام بزرگی است...
 و هر زنی برایش امکان پذیر است که در هر زمان و مکانی از آنچه زینب ع انجام داد عبرت و الهام بگیرد، و از ظرفیت جایگاه او بهره ببرد و به ایشان به عنوان سمبل و نماد عالی زن و انسانیت اقتدا کند، حتی اگر به او ایمان نداشته باشد...
 برای هر زنی امکان دارد که برای بزرگ ترین هدف در زندگی دنیا که همان ایستادگی به همراه حق و عدالت و انصاف علیه باطل و ظلم و طغیان است به پا خیزد.» [۱]

سید احمد الحسن (ع):

قومی با حسین به نبرد برخاستند که ادعا می کردند پیامبر خدا حضرت محمد (ص) را دوست می دارند و بر سیره و روش آن حضرت (ص) گام برمی دارند. متشابهاً، ج ۱، س ۱۴



است. به خدا سوگند که این زن دوست دارد با برادرزاده اش کشته شود. گمان می کنم که این جوان به همین بیماری بمیرد. (ارشاد مفید، جلد ۲، صفحه ۱۱۶)

۲. در روز عاشورا، پس از کشته شدن سیدالشهدا (علیه السلام) این قوم بر خیمه ها حمله ور شدند و آن را به آتش کشیدند و به امام زین العابدین (علیه السلام) رسیدند. در کتب مقاتل آمده است: ... این قوم، به علی بن حسین رسیدند و ایشان در بسترش بیمار بود و نمی توانست برخیزد. یک نفر گفت کوچک و بزرگشان را رها نکنید و دیگری گفت شتاب نکنید تا با امیر، عمر بن سعد مشورت کنیم. شمر، شمشیرش را درآورد تا او را بکشد. حمید بن مسلم به او گفت: سبّحان الله! کودکان را می کشی؟ این فرد، بیمار است! گفت: ابن زیاد، دستور به کشتن فرزندان حسین داده است. ابن سعد در بازداشتن و منع کردن او مبالغه کرد؛ مخصوصاً وقتی دید که عقیله، زینب دختر امیرالمؤمنین فرمود: او کشته نمی شود تا اینکه به خاطرش کشته شوم. از او دست برداشتند. (مقتل الحسین (علیه السلام)، سید مقرر، صفحه ۳۰۱)

«سلام بر حسین پسر امیرالمؤمنین؛ سلام بر زینب دختر امیرالمؤمنین؛ سلام بر علی پسر حسین؛ سلام بر ابوالفضل العباس؛ سلام بر اصحاب حسین که خون خود را در دفاع از حسین بخشیدند؛ و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد.» [۳]

منبع:

۱- پست فیس بوک سید یمانی (علیه السلام)، ۹ محرم ۱۴۴۲.

۲- پست فیس بوک سید احمد الحسن (علیه السلام)، ۹ محرم ۱۴۳۹

۳- بخش پایانی پیام پیشین سید احمد الحسن (علیه السلام).

بن حسین هستم.

ابن زیاد گفت: مگر خدا علی بن حسین را نکشت؟

علی بن حسین (علیه السلام) فرمود: برادری داشتم که نامش علی بن حسین بود و مردم او را کشتند. عییدالله گفت: بلکه خدا او را کشت! امام علی بن حسین (علیه السلام) فرمود: (الله یتوفی الأنفس حین موتها) (خداوند، جان ها را هنگام مرگش می ستاند.) (زمر، ۴۲)



ابن زیاد خشمگین شد و گفت: در پاسخ من با جسارت سخن می گویی؟! او را گردن بزنید. زینب (علیه السلام) چون چنین دید، امام سجاد (علیه السلام) را در آغوش خود کشید و گفت: ای پسر زیاد، هرچه از خون ما ریختی، تو را بس است. به خدا از او جدا نخواهم شد. اگر قصد کشتن او را داری مرا نیز بکش. ابن زیاد لحظه ای به زینب و علی بن حسین (علیه السلام) نگریست و گفت خویشتاوندی چه شگفت انگیز

سید احمد الحسن (علیه السلام):

باقائم (علیه السلام) نیز گروهی به نبرد برخوانند خاست که ادعا می کنند حسین را دوست می دارند و بر مصیبت های او می گریند. متشابهاً، ج ۱، س ۱۴

هشدار الهی با اقتصاد بیمار: راه برون رفت از مشکلات اقتصادی چیست؟

تسلط فرعون مصر بر بنی اسرائیل و تسلط نمرود بر قوم ابراهیم علیه السلام و **زیان اقتصادی که عبارت است از نقص در اموال و اندک شدن برکت در محصول و نسل و تجارت، به طور عادی اِبرازی اساسی برای تحریک و تشویق مردم به تفکر در وضعیت فاسدی است که در آن زندگی می کنند؛ و به دنبال آن برخی از آن ها به سمت خداوند باز می گردند و به او پناه می آورند و به این ترتیب گروهی برای پذیرایی از فرستاده و ایمان آوردن به او آمادگی پیدا می کنند...**

«**۶۶** (روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان، ج ۲، مبحث فرستاده و عذاب)

رسالت ما چیست؟

وظیفه مؤمنین در این اوضاع بد اقتصادی، بیدار کردن مردم و هشدار دادن به آنهاست؛ همان مؤمنی که زندگی رسولانه ای دارد و مانند پیامبران، به انتقال پیام الهی و دعوت مردم به حقیقت، فکر می کند. او اتفاقات عالم را بشارت یا هشدار دیده و آن را این گونه تحلیل می کند؛ لذا به مردم هشدار

زیان اقتصادی عظیمی که امروزه مردم را درگیر کرده، حتماً آیه ای از آیات الله است؛ به گونه ای که انسان با آن می تواند حقیقت را درک کند. عذاب اقتصادی هشدار داری بزرگ برای مردم است تا حق را شناخته و دنبال ریشه های مشکلات بگردند؛ این اتفاقات بی حکمت نیست و باید با جهان بینی توحیدی به آن نگاه کنیم.

سید احمد الحسن علیه السلام فرمودند:

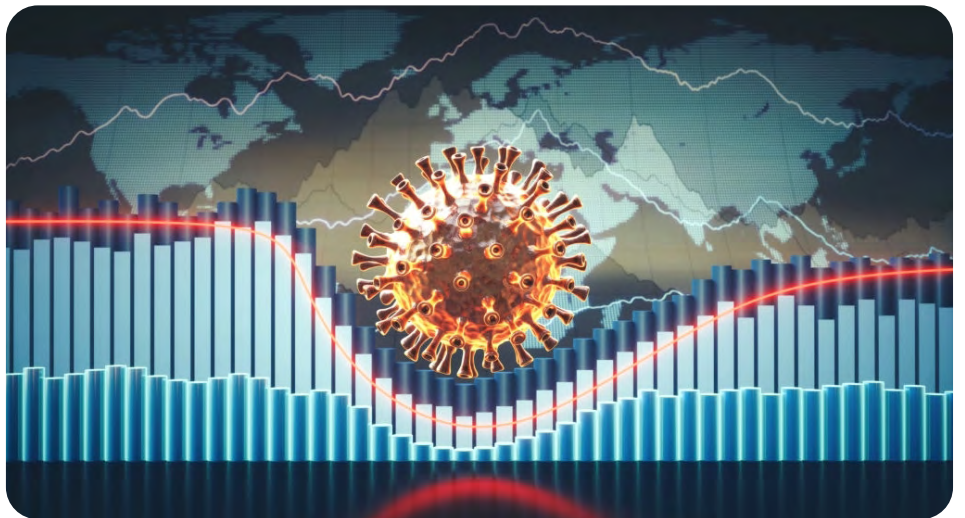
۶۶

«...سنت خداوند سبحان و متعال در میان اهل شهرها هنگام فرستادن فرستاده ای برای آن ها به این صورت است که آنان را به رنج و عذاب دچار می کند. این رنج و عذاب که معمولاً به سبب تسلط طاغوتیان بر اهل زمین است مانند

بی کفایتی و سوء مدیریت برای حل بحران ها و مشکلات اقتصادی از مسائلی است که امروزه مشکلات زیادی برای مردم ایجاد کرده است. سقوط ارزش پول ملی، افزایش قیمت ها، ضرر بالا در تجارت، سقوط ثروت مردم و... چرخه ای بی پایان از مشکلات اقتصادی است که در جامعه ایجاد شده و مردم را در عذابی بد، فرو برده است. آیا این مسائل هشدار الهی است؟

زیان اقتصادی، هشدار الهی

کسانی که به دین الهی اعتقاد دارند هر چیزی در عالم را نشانه ای از حقیقت می بینند؛ آیات رحمت یا آیات عذاب.



سید احمد الحسن علیه السلام:

کسی که به حسین علیه السلام ملحق شود، قطعاً شهید می شود و متناسب با مقامش و مقدار التزامش به حسین علیه السلام چیزی از فتح را درک می کند؛ یعنی پیروزی و فتح با قائم علیه السلام را درک خواهد کرد. متشابهات، ج ۱، س ۱۴



(قَالَ أَحْسَاؤُا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون * إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ * فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ)

(گویید: در آتش گم شوید و با من سخن مگویید * آری، گروهی از بندگان من می گفتند: ای پروردگار ما، ایمان آوردیم، ما را بیا مرز، و بر ما رحمت آور که تو بهترین رحمت آورندگان * و شما ریشخندشان می کردید تا یاد مرا از خاطرتان بزدودند و شما همچنان به آن ها می خندیدید.) (مؤمنون، ۱۰۸ تا ۱۱۰).

(روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان، ج ۲، مبحث فرستاده و عذاب)

نتیجه

در این وضع بد اقتصادی وظیفه ما به عنوان پیروان امام مهدی (علیه السلام) آگاه سازی مردم نسبت به ریشه های زیان اقتصادی است تا مردم دوباره به خدا بازگردند، برای او تضرع کنند، توبه و انابه کنند، تا خداوند از فضلش، از مشکلات آن ها بکاهد. اما اگر مردم به خدا رجوع نکنند و فرستاده او را نشناسند، باید (خدای نکرده) منتظر عذاب های بزرگ تر باشند. والعاقبة للمتقين

فطرت خود و نیز علیه مؤمنینی که با آنان، بحث و جدال می کنند، بهره می گیرند؛ در حالی که به این ترتیب، آن ها در عرصه ای جدید قرار گرفته اند؛ یعنی روی آوردن دنیا به آن ها: (بَدَلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ) (جای بدی و سختی را به خوشی سپردیم).

و در اوج این بهره مندی و در حالت سرمستی از نعمت و برخورداری بودن، ناگهان عذابی برای آنان می آید در حالی که از آن آگاهی ندارند. (لَعْمُرُكُ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ) (سوگند به جانت، آنان در مستی خود سرگردان هستند).

در این هنگام است که پشیمانی دیگر سودی ندارد و صداها بلند می شود که پروردگار! بدبختی ما بر ما چیره شد... پروردگار! ما را از آن بیرون بیاور... و ما ستمکار هستیم... پروردگار!... پروردگار!... و پاسخ آنان این گونه می آید:

می دهد که زیان اقتصادی که دچار آن شده اند، به سبب روی گردانی آن ها از حق و بی توجهی به اقتصاد الهی است که تمرکز آن بر خلیفه خداست.

امام احمد الحسن (علیه السلام) در خصوص گفت و گوی مؤمنین با مردم در این وضع (زیان اقتصادی) و پاسخ آن ها فرمودند:

«... هنگامی که مؤمنان آن ها را یاد آور می شوند که این وضعیت، شبیه وضعیت امت هایی است که پیش تر عذاب شدند، چنین پاسخ می دهند: این سنت بر پدران ما نیز جاری شد و هیچ عذابی بر آنان نازل، و فرستاده ای برای آنان فرستاده نشد؛ این مرد، دروغ گو، جادوگر، پیشگو، شاعر یا متوهم است، یا هر عذر و بهانه ای که به واسطه آن، عذرتراشی می کنند تا استدلالی برای خودشان بیابند که اگر به بیدار شدن دعوت شوند، از آن علیه



سید احمد الحسن (علیه السلام):

جَنِّانَ با عبادت و اطاعت خدا ارتقا پیدا می کنند تا اینکه جزو فرشتگان می شوند. متشابهات، ج ۱، س ۱۶

یهوه چگونه از ساعیر طلوع کرد؟

نشسته، هر یکی از کلام تو بهره‌مند می‌شوند).
امام احمد الحسن علیه السلام در این رابطه فرمودند: «این عبارت، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم را یاد می‌کند. می‌توانید به آنچه در تفسیر دعای سمات بیان کرده‌ام مراجعه کنید.» (کتاب عقاید اسلام) و همچنین ایشان علیه السلام در بخشی از تفسیر دعای سمات فرمودند: «(ساعیر) سرزمین عبادت و توحید و همان سرزمین مقدس است؛ یعنی بیت المقدس و پیرامون آن. (فاران) پناهگاه استغفار و توبه، یعنی مکه و گرداگرد آن است. پیامبری که در ساعیر به بعثت رسید حضرت عیسی علیه السلام و آن که در فاران مبعوث شد، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.» (متشابهات، جلد ۳، بخشی از پاسخ به پرسش ۶۹)

اما شاید این پرسش پیش بیاید که این متن که درباره آمدن یهوه یا خداست! در اینجا لازم است صبور باشیم و به سراغ آن بخش از تفسیر دعای سمات که توسط احمد الحسن علیه السلام صادر شده است، رجوع کنیم.

دعای سمات

اما دعای سمات؛ وقتی دعای سمات را می‌خوانیم به بخشی می‌رسیم که شباهت بسیاری به سخنان موسی علیه السلام در تورات دارد؛ آنجا که آمده است: (و به مجد تو که بر طور سینا نمایان گشت؛ پس به وسیله آن با بنده و فرستاده‌ات موسی بن

کمتر از یک ماه دیگر سالروز ولادت عیسی مسیح را در پیش داریم و کریسمس که می‌آید یادها هم به سوی مریم مقدس علیها السلام و سرور ما عیسی علیه السلام معطوف می‌شود. پیامبر عظیم خدا، عیسی علیه السلام در حدود ۲۰۲۰ سال پیش چشم به جهان گشود؛ از تولد تا خدمت او در بردارنده نکات فراوانی است که تنها در این مقاله می‌توانیم گوشه‌ای از آنچه را امام احمد الحسن علیه السلام درباره آن روشنگری نموده است ارائه نماییم.

اما نکته‌ای که بسیار اهمیت دارد و می‌خواهیم به آن پردازیم این است که در نوشته‌های پیش از عیسی، خبر آمدن او بیان شده بود؛ به عبارتی نصی از سوی خلفای پیشین درباره او وجود داشت و انبیایی همچون موسی و اِشعیا درباره او پیشگویی کرده بودند.

بشارت موسی

موسی از عیسی چگونه خبر داده و وصیت کرده است؟ در تورات، سفر تثییه، فصل ۳۳ می‌خوانیم: (۱) و این است برکتی که موسی، مرد خدا، قبل از وفاتش به بنی اسرائیل برکت داده، ۲ گفت: «یهوه از سینا آمد، و از سعیر بر ایشان طلوع نمود و از جَبَل فاران درخشان گردید و با کروورهای مقدسین آمد، و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین پدید آمد. ۳ به درستی که قوم خود را دوست می‌دارد و جمیع مقدسانش در دست تو هستند و نزد پاهای تو

سید احمد الحسن علیه السلام:

ابلیس (لع) به خاطر انانیت (منیت) از امر خدا سرپیچی کرد و به قعر جهنم سقوط نمود.

متشابهات، ج ۱، س ۱۶

همچنین در جای دیگری فرمودند: «شایان ذکر است که عبارات دعا به طور تصاعدی مرتب شده است؛ به این صورت که از پیامبری که (خدا با او سخن گفت) یعنی موسی علیه السلام شروع شده و به پیامبری که تبلور (پرتوافشانی الهی) است یعنی عیسی علیه السلام و پیامبری که تبلور (ظهور خداست) که محمد صلی الله علیه و آله است، رسیده است. (کتاب نبوت خاتم، مبحث محمد صلی الله علیه و آله ظهور خدا در فاران)



نتیجه‌گیری

بشارت موسی به عیسی نشان می‌دهد که وصیت راهی است که می‌توان خلیفه آینده را شناخت و نکته دیگر اینکه نیازی نیست نص حتماً همراه با نام باشد؛ به عبارتی آن می‌تواند همراه با رمز و اشاره باشد و از طرفی همین متن الزام‌آور است و کسانی که خود را به موسی معتقد می‌دانند باید به عیسی علیه السلام یا محمد صلی الله علیه و آله ایمان بیاورند؛ در غیر این صورت نباید ادعای ایمان به موسی را داشته باشند.

عمران علیه السلام سخن گفتی، و به طلوع تو در ساعیر و به ظهور تو در کوه فاران و گروه کثیری از مقدسان و سپاه منظم فرشتگان و خشوع کروبیان تسبیح‌گوی). واضح است که این متن شباهت بسیار زیادی به (تثنیه ۳۳: ۲) دارد؛ حال باید به سراغ تفسیر امام علیه السلام برویم.

تفسیر شبیه عیسی

امام احمد الحسن علیه السلام در بخشی از تفسیر دعای سمات فرمودند: «... (و به طلوع تو در ساعیر) یعنی طلوع خداوند سبحان در ساعیر؛ و خداوند سبحان و متعال در ساعیر با عیسی بن مریم متجلی شد و طلوع کرد. طلعت به معنی ظهور جزئی ناکامل است؛ بنابراین عیسی علیه السلام تبلور خدای سبحان و متعال در خلق بود ولی نه به صورت کامل؛ از همین رو، بعثت او، طلوع خداوند سبحان و متعال بود و به این ترتیب، عیسی علیه السلام زمینه‌ساز بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است؛ چراکه طلوع، پیش از ظهور است.

(و ظهور تو در کوه فاران) یعنی ظهور خداوند سبحان و متعال؛ و این ظهور، با بعثت محمد صلی الله علیه و آله صورت پذیرفت؛ بنابراین فرستاده اعظم - حضرت محمد صلی الله علیه و آله - همان خدای در خلق است؛ از همین رو امام علیه السلام در دعا، از بعثت آن حضرت صلی الله علیه و آله به ظهور خدای سبحان تعبیر نمود. امام علیه السلام می‌خواهد در قالب دعا بفرماید که حضرت محمد صلی الله علیه و آله همان خدای در خلق، و بعثت او، ظهور خداوند است؛ پس کسی که محمد صلی الله علیه و آله را بشناسد خدا را شناخته، و کسی که محمد صلی الله علیه و آله را ببیند خدا را دیده، و کسی که به محمد صلی الله علیه و آله نظر افکند، به خدا نظر افکنده است.» (متشابهات، جلد ۳، بخشی از پاسخ به پرسش ۶۹)

سید احمد الحسن علیه السلام:

انبیا و فرستادگان و ائمه علیهم السلام کسانی هستند که خدای سبحان را برگزیدند و دیدگان خود را به نور منحصر و متمرکز کردند و خدای سبحان نیز آن‌ها را برگزید. متشابهات، ج ۱،

زنجیر اسارت برپای آزادی خواهان

آیا مکاتبی نظیر لیبرالیسم و سوسیالیسم به بن بست رسیده اند؟

تعریف

در یک کلام در اقتصاد دو جریان وجود دارد: جریان چپ‌گرا و جریان راست‌گرا؛

جریان چپ‌گرا یا همان سوسیالیسم می‌گوید دولت باید بزرگ باشد و بر اقتصاد مسلط شود و جریان راست‌گرا یا همان لیبرالیسم می‌گوید دولت باید کوچک باشد و در اقتصاد دخالت نکند. مسلماً وقتی دولت کوچک‌تر باشد سرمایه‌داران و تولیدکنندگان و تاجران آزادتر و قوی‌تر می‌شوند. البته این دو جریان دوسریک طیف هستند. افراط در لیبرالیسم می‌شود نتولیرالیسم و افراط در سوسیالیسم می‌شود کمونیسم.

چپ و راست چه می‌گویند؟

اما دلیل سوسیالیست‌ها چیست که می‌گویند دولت باید بزرگ باشد؟

سوسیالیست‌ها می‌گویند دولت باید بزرگ باشد چون دولت نماینده مردم است. اگر دولت بزرگ باشد از ثروتمندان مالیات بیشتری می‌گیرد و از مردم حمایت می‌کند؛ مثلاً به آن‌ها آموزش رایگان می‌دهد، به

می‌دهد و در نتیجه رقابت از بین می‌رود و وقتی رقابت از بین برود شایسته‌سالاری هم از بین می‌رود. اما اگر دولت دخالت نکند بازار خودش می‌تواند اقتصاد را تنظیم کند و کم‌کم از دل رقابت‌های فعالان بازار، شایسته‌ترها سربر می‌آورند و ثروتمندتر شدن شایسته‌ترها به سود کل جامعه است؛ زیرا این شایستگان قدرت خلق ثروت بیشتری را دارند.

کلمه سوسیال به معنای جامعه اشاره دارد و کلمه لیبرال به معنای آزادی است. همچنین چون در لیبرالیسم انباشت سرمایه پدید می‌آید و ثروتمندان قدرت می‌گیرند

اقتدار ضعیف وام می‌دهد، آن‌ها را بیمه می‌کند و...؛ اما اگر دولت ضعیف باشد نمی‌تواند در برابر ثروتمندان بایستد و از مردم حمایت کند. در نتیجه ثروتمندان خون مردم را در شیشه می‌کنند.

اما دلیل لیبرالیست‌ها چیست که می‌گویند دولت باید کوچک باشد؟

لیبرالیست‌ها می‌گویند اگر دولت بر اقتصاد چیره شود رقابت از بین می‌رود. دولت در برابر تولیدکنندگان و تاجران محدودیت‌هایی می‌گذارد و در نتیجه اجازه نمی‌دهد استعداد‌های بالقوه آن‌ها فعال شود. دولت به وابستگانش رانت



در ابتدا پس از انقلاب صنعتی غرب به قطب سیاسی و اقتصادی دنیا تبدیل شد؛ اما افراط در لیبرالیسم، به بیگاری کشیدن از فقرا توسط سرمایه‌داران سرمست منجر شد. تا جایی که عدم مداخله دولت در آمریکا فاجعه رکود بزرگ در بورس وال استریت در سال ۱۹۲۹ را پدید آورد که یکی از علل جنگ جهانی دوم نیز بود.



برای تماشای ویدیو، کلیک کنید

در نتیجه همه این بحران‌ها، دو واکنش منفی به لیبرالیسم شکل گرفت؛ یک واکنش نرم و یک واکنش تند. واکنش نرم همان اصلاحات درونی در لیبرالیسم بود. کشورهای اروپایی شروع کردند به بزرگ کردن دولت‌های خودشان که این جریان «دولت رفاه» نامیده می‌شود. اقتصاددان‌هایی همچون کینز، اروپا را به سمت سوسیالیسم کشاندند و کشورهای اسکاندیناوی (سوئد و دانمارک و فنلاند و نروژ) پیشگامان اجرای این سیاست‌ها بودند.



برای مشاهده وبسایت، کلیک کنید

سوسیالیسم و کمونیسم گرایش پیدا کردند و غربی‌ها به لیبرالیسم و نئولیبرالیسم.



معمولاً کشورهای که راست‌گرا یا چپ‌گرا می‌شدند مدتی افراط می‌کردند، اما پس از مدتی کمی به سمت اعتدال گرایش پیدا می‌کردند؛ مثلاً زمانی غرب به شدت به سمت لیبرالیسم رفت، اما همین باعث شد که بحران‌های اقتصادی و اجتماعی شکل بگیرند و در نتیجه اندکی به سمت سوسیالیسم و دولت قوی و بزرگ گرایش پیدا کردند. همچنین زمانی شرق به شدت به سمت کمونیسم رفت، اما همین باعث شد که بحران‌هایی شکل بگیرند و در نتیجه از مداخله دولت در اقتصاد کم کردند و آزادی بیشتری به فعالان اقتصادی دادند. به عبارتی چپ‌گرایی و راست‌گرایی در طول تاریخ هم‌گرایی داشته‌اند. اگر بخواهیم سرنوشت این دو جریان در این دو سه قرن را به اختصار بیان کنیم خواهیم گفت:

به لیبرالیسم، کاپیتالیسم یا همان سرمایه‌داری هم می‌گویند.

ما چه می‌گوییم؟

به اختصار از نظر ما بحث اینکه «دولت باید بزرگ باشد یا کوچک؟» یا اینکه «اقتصاد باید به دولت سپرده شود یا بخش خصوصی؟» اساساً یک بحث انحرافی است. مسئله مالکیت نیست؛ مسئله مدیریت است. دولت خوب و شایسته اگر قوی باشد موجب توسعه است و اگر دولت بد و نالایق، قوی باشد موجب ویرانی می‌شود. همچنین بخش خصوصی شایسته و ناشایست داریم. در نگاه ما به هر فرد و نهادی باید به همان میزان قدرت داده شود که شایسته است؛ چه دولت باشد و چه بخش خصوصی. همچنین در نگاه ما اگر به دانشمندان و متخصصان قدرت داده شود آن‌ها می‌توانند نظامی به جامعه ببخشند که نهادها و افراد از کنارهم بودن لذت ببرند و منفعت‌خواهی شخصی آحاد در مصلحت عمومی و کلی تعریف شود.

سیر تاریخی لیبرالیسم و سوسیالیسم

در این دو سه قرن تقریباً همه این تفکرات تجربه شدند. شرقی‌ها به

سید احمد الحسن رحمته‌الله:

هریک از انبیا و فرستادگان و ائمه علیهم‌السلام بر اساس اختیار و انتخاب خویش درجه‌ای از درجات عصمت به وی اختصاص یافته است. مشابهاً، ج ۱، س ۱۷





خشم عمومی از این شکاف طبقاتی که هر روز بر وسعتش افزوده می‌شود، جنبش وال‌استریت یا همان جنبش ۹۹ درصدی‌ها را راه انداخت که اگرچه سرکوب شد، اما نشانگر مهمی از پوسیدگی و مرگ قریب‌الوقوع نئولیبرالیسم بود.



برای مشاهده وبسایت، کلیک کنید
نکته مهم‌تری که باید دقت کنیم این است که در چین اگرچه در عصر مائو، کمونیسم عملکرد نه‌چندان خوبی از خود نشان داد، اما پس از او دنگ شیائوپینگ اصلاحاتی در این نظام پدید آورد و با اجرای سیاست‌های درهای باز، آزادی بیشتری به فعالان اقتصادی داد و کمونیسم را به لیبرالیسم نزدیک کرد.



برای مشاهده وبسایت، کلیک کنید

از لحاظ اقتصادی هم شوروی نتوانست همگام با غرب لیبرال در مسیر توسعه رقابت کند؛ لذا به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی انجامید و دست برتر لیبرالیسم دوباره نمایان شد. از طرفی در اروپا هم در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ سرمایه‌داران و سیاستمداران و اندیشمندان لیبرال به تدریج تفکرات مداخله‌گرایانه کینزی و نظریه دولت رفاه را از صحنه خارج کردند.

این جریان که از حدود پنج دهه قبل توسط سیاستمدارانی چون مارگارات تاچر در انگلستان و ریگان در آمریکا و اقتصاددانانی چون هایک و فریدمن و مکتب شیکاگو راه انداخته شد و تا به امروز بر جهان سیطره دارد نئولیبرالیسم نامیده می‌شود.



برای مشاهده وبسایت، کلیک کنید

تزلزل در نئولیبرالیسم

در حالی که نئولیبرال‌ها به فکر برپایی نظم نوین جهانی خود بودند، نئولیبرالیسم هم با بحران‌هایی روبه‌رو شد. تبعیض و شکاف طبقاتی و بحران خانواده و بحران بدهی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که نئولیبرالیسم اقتصادی و فرهنگی با آن روبه‌روست.

طلوع و غروب کمونیسم

اما واکنش تند به دموکراسی اوایل قرن بیستم انقلاب‌های کارگری بودند. این جنبش‌ها که متأثر از تفکرات انقلابی کارل مارکس بودند به ظهور اتحاد جماهیر شوروی با مشی کمونیستی منتهی شد. متأثر از ظهور شوروی، در چین هم انقلابی کمونیستی پدید آمد و چین و شوروی پرچم‌داران کمونیسم در جهان شدند. رهبران شوروی، لنین و سپس استالین بودند و رهبر چین، مائو بود. کم‌کم افراط در کمونیسم و مداخله‌گری دولت در این دو کشور به دیکتاتوری و ظلم به فقرا انجامید. در دوران زمامداری مائو در چین، قحطی‌های مرگباری به وجود آمد.



در شوروی هم خفقان و دیکتاتوری استالینی خون انسان‌های زیادی را بر زمین ریخت.



برای مشاهده وبسایت، کلیک کنید

سید احمد الحسن رحمته‌الله:

برای معصومین علیهم‌السلام متشابهی وجود ندارد و همه قرآن برای آن‌ها محکم است؛ همان طور که برای غیر آن‌ها محکمی وجود ندارد، مگر کسی که از آن‌ها برگرفته باشد.

متشابهات، ج ۱، س ۱۹

بحران در نئولیبرالیسم کار را به جایی رسانده که بزرگ‌ترین اندیشمندان لیبرال هم درباره فرارسیدن موسم افول لیبرالیسم ابراز نگرانی کنند؛ همچون فوکویامای ژاپنی که روزی تئورسین لیبرالیسم بود و در کتاب پایان تاریخ لیبرال، دموکراسی را آخرین مکتب فکری بشر نامید؛ اما پس از سه دهه در اکتبر ۲۰۱۸ اقرار کرد که لیبرالیسم بر شکاف طبقاتی دامن زده و ممکن است سوسیالیسم به رهبری چین بر جهان سیطره پیدا کند.



برای مشاهده وبسایت، کلیک کنید

اقتصاد ایران اقتصادی التقاضي

پس از انقلاب در دوران جنگ (نخست‌وزیری آقای موسوی) اقتصاد ایران یک اقتصاد دولتی و حاکمیتی بود؛ اما پس از آن از زمان ریاست آقای هاشمی دولت ایران به استقبال لیبرالیسم رفت و ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ از سوی رهبری هم بر این آزادسازی صحه گذاشت؛ اما در این سه دهه به‌قدری در خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت افراط شد که درصد بودجه دولت ایران نسبت به تولید ناخالص داخلی (DDP) به

را تجربه می‌کند و به‌سرعت تولید ناخالص داخلی‌اش را به آمریکا نزدیک کرده است و مطابق پیش‌بینی‌ها در سال ۲۰۵۰ اقتصاد چین دو برابر آمریکا خواهد بود و اقتصاد هند نیز هم‌سطح آمریکا خواهد شد. این یعنی احتمالاً جهان آینده به‌سمت کمونیسم و سوسیالیسم تعدیل شده می‌گراید.



برای مشاهده وبسایت، کلیک کنید
اما همه می‌دانیم که مردم خسته‌تر از آن‌اند که باز بین چپ و راست دست‌به‌دست شوند و کم‌کم به این باور می‌رسند که چپ و راست هر دو یک جبهه‌اند و مردم در جبهه‌ای دیگر قرار دارند. هرروزه آمارهای حیرت‌انگیزی از شکاف طبقاتی، سلاح‌های کشتار جمعی، تهدیدهای زیست‌محیطی، بحران اخلاقی و... در سیاره ما مخابره می‌شوند که اندیشمندان را نسبت به ایده تغییر ریشه‌ای مصمم‌تر می‌کند. مؤسسه بین‌المللی آکسفام در سال ۲۰۱۹ گزارش داد که ثروت تنها ۲۶ نفر از متمول‌ترین افراد جهان با دارایی حدود ۳.۸ میلیارد انسان برابر است.



برای مشاهده وبسایت، کلیک کنید

در نتیجه این اصلاحات جهشی اقتصادی در چین رخ داد و از آن زمان تاکنون چین رشد اقتصادی میانگین ده درصد را تجربه کرده است و آمارها می‌گویند نیمی از رشد اقتصادی جهان در نیم قرن گذشته در چین رقم خورده است.



هند هم سوسیالیسمش را با هدایت مانهومان سینگ به لیبرالیسم نزدیک کرد و در نتیجه هند هم در مسیر توسعه افتاد. امروزه چین تقریباً رشدی سه‌برابری نسبت به آمریکا

سیداحمدالحسن الرکابی:

قرآن برای غیر معصوم به‌طور کامل متشابه است؛ زیرا غیر معصوم محکم را از متشابه آن باز نمی‌شناسد. متشابهات، ج ۱، س ۱۹

هم می تواند مثل کره جنوبی و کوبا یا شوروی شکست خورده باشد و هم می تواند مثل چین موفق عمل کند؛ لیبرالیسم نیز می تواند به اختلاف طبقاتی بینجامد مثل آمریکا و می تواند رفاه عمومی نسبی برقرار کند مثل ژاپن و کره جنوبی.

پس همه چیز در میزان قدرت دولت نیست؛ بلکه علت توسعه یا فلاکت کشور را باید در شایستگی حاکمان و قدرتمندان جستجو کرد. پس بسیار مهم است که مکانیسمی که در آن صاحبان قدرت تعیین می شوند بررسی شود. برای همین باید گفت نظام اقتصادی را نمی شود فارغ و منفک از نظام سیاسی بررسی کرد. اما اینکه چطور می شود شایسته ترین افراد را برای زمامداری و مدیریت تعیین کرد بحث مفصلی است که مجال دیگری را می طلبد؛ اما کمترین چیزی که در این خصوص می دانیم این است که شایسته ترین انسان را خداوند می تواند بشناسد و آنگاه آن رهبر اصلح الهی به ما بهترین راه حل ها برای شناسایی شایسته ترین ها را می شناساند. او به ما خواهد گفت که چگونه قوانین، نهادها، شوراها و انجمن های عمومی و تخصصی مان را نظم بدهیم تا از دل آن، فرزانه ترین زمامداران تاریخ سر برآورند.

در بانک ها دارد. به عبارتی خصولتی ها نه تنها از معافیت های مالیاتی بلکه از رانت های حکومتی هم سود می برند. این فساد حتی به بازداشت رئیس سازمان خصوصی سازی هم منجر شد.



برای مشاهده وبسایت، کلیک کنید

راه حل چیست؟

همان طور که در ابتدای مقاله گفته شد مسئله اصلی، مالکیت نیست؛ بلکه مدیریت است. اگر کسی گفت دولت باید قوی باشد از او می پرسیم کدام دولت؟ دولت شایسته یا دولت ناشایست؟ اگر کسی گفت بخش خصوصی باید قوی باشد از او می پرسیم کدام بخش خصوصی؟ مافیاهای و کارتل ها و انحصارگران یا تولیدکنندگان دانش بنیان؟ در عمل هم می بینیم که کمونیسم

یکی از پایین ترین ارقام در جهان رسید.

از طرفی این کوچک سازی دولت به آزادی اقتصادی نینجامید؛ زیرا به اعتراف مجلس تنها سیزده درصد خصوصی سازی ها واقعی بوده و حجم بالایی از بنگاه های اقتصادی دولت به وابستگان حکومت واگذار شده است؛ یعنی نهادهای نظامی یا سیاستمداران بازنشسته و ...



برای مشاهده وبسایت، کلیک کنید

به همین دلیل کارشناسان اقتصادی می گویند اقتصاد ایران نه یک اقتصاد دولتی و نه یک اقتصاد باز و خصوصی است؛ بلکه یک اقتصاد خصولتی است. بخش خصولتی یا شبه دولتی، نه مثل بخش دولتی نسبت به مردم تعهد دارد و نه مثل بخش خصوصی مالیات می پردازد. به عنوان مثال خلق نقدینگی و تورم در ایران تا حد زیادی ریشه در خصوصی سازی



احمد الحسن از دیدگاه دین و علم پاسخ می‌دهد

آیا معلول بودن و مشکلات به معنی ظلم خدا به مردم است؟

و درک کنیم و این ظلمت همان نقص و عجز و مخالفت و تعارضی است که ملازم با همه عوالم مخلوق است.



اما این اشکال که حتی صرف‌نظر از حدود نقص در این عالم، طراحی ژنتیکی هم خلل و اشکالات قابل توجه و آشکاری دارد، پاسخش این است که:

عامل آفرینش، لاهوت مطلق نیست؛ بلکه عامل آفرینش این اجسام، همان مخلوقاتی هستند که لاهوت مطلق آن‌ها را آفریده است: (وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ) (ذاریات، ۴۷)

(و آسمان را با دستانی برافراشتیم و حقاً که ما وسعت‌دهنده هستیم). (أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا

مشکلات بهداشتی و پزشکی نتایجی طبیعی هستند؛ زیرا جسم انسان فقط یک جسم حیوانی تکامل‌یافته بر روی زمین است و ایدئال و مصون نیست؛ بلکه مانند هر جسم حیوانی یا گیاهی زنده دیگری بر روی زمین، از مواد شیمیایی تشکیل شده است و در خلال شکل‌گیری، مثلاً در نتیجه نقص ژنتیکی یا حتی بعد از شکل‌گرفتنش در اثر هر حادثه‌ای در معرض نقص و خلل قرار دارد؛ در نتیجه این اشکال هیچ معنایی ندارد، مگر اینکه گفته شود: چرا خداوند، عالم را ایدئال خلق نکرده است تا اینکه وضعیتی ایدئال ایجاد کند؟ پاسخ این اشکال بسیار ساده است. جهان آفرینش دارای ظلمت و تاریکی است و نور مطلق نیست و نقص و خلل از ملزومات ظلمت است و این امکانی حتمی و غیرقابل اجتناب است؛ پس این امر به خودی خود محال است و به همین سبب هرگز از خداوند صادر نمی‌شود. غیرممکن است که عالم، مخلوق باشد و در عین حال نوری باشد که ظلمت در آن نباشد؛ زیرا نور مطلق، فقط لاهوت مطلق است و در نتیجه، جهان آفرینش چیزی جز نور و ظلمت نیست و این ظلمت همواره در آن بوده است. پس ناچار باید تأثیر آن را مانند یک ظلمت بینیم

سید احمد الحسن (علیه السلام):

قرآن پوسته‌هایی دارد و [افراد] از آن تنها چیزی از معنایش را به دست می‌آورند.

متشابهات، ج ۱، س ۱۹



دلیل این ضعف آن است که اندام مزبور برای بدنی طراحی شده که دارای انحناست و برای جسم راست‌قامت مانند جسم انسان، ناکامل و ناقص محسوب می‌شود. به همین دلیل بسیاری از انسان‌های موجود بر روی کره زمین حداقل در دوره‌ای از زندگی خود از دردهایی در ناحیه کمر رنج می‌برند.



همچنین عصب حنجره و کشیدگی آن که برخی از دانشمندان کالبدشناسی تطبیقی آن را «اشتباه در طراحی» لقب می‌دهند، بر همین منوال است؛ زیرا نمی‌توان آن را طراحی شده برای همه گونه‌ها دانست؛ چراکه درازی عصب

أَنْعَاماً فَهَمَّ لَهَا مَا لَكُونُ) (یس، ۷۱)
(آیا ندیده‌اند که با دست قدرت خویش
برایشان چهارپایان را آفریدیم و اکنون مالکشان
هستند؟).

ممکن نیست برای لاهوت مطلق، دستانی باشد که جزئی از آن است؛ وگرنه لاهوت‌بودنش از بین می‌رود. در نتیجه، دستان خدا همان خلقی است که خداوند آفرید و آن‌ها به آفرینش خلقِ پایین‌تر از خود -مانند عالم جسمانی که موضوع اشکال فعلی است- پرداختند. این وصف بسیار رایج است؛ پس معمولاً به شخصی که به کار شخصی دیگر به نیابت از او مبادرت می‌کند، می‌گویند که دست اوست و همچنان که کسی به دیگری گفته «أنت یدی التی أصول بها»، یعنی تو دست من هستی، که به وسیله آن، چیزی کسب می‌کنم.

رویکرد دوم: می‌توان نظریه طراحی هوشمند را به صورت سازگار با تکامل تلقی نمود. این رویکرد در پی آن است که از طریق ترکیب، پیچیدگی و دقت به‌کاررفته در سیستم اجسام زنده و اندام‌ها و بخش‌های آن ثابت کند که موجودات زنده به‌گونه‌ای هدفمند طراحی و تکامل یافته‌اند و به این ترتیب در پشت آن‌ها خدایی وجود دارد که به دنبال رساندن آن به هدفی است.

نواقص موجود در طراحی، اشکالی است که بر هر دو رویکرد وارد می‌شود؛ زیرا طراح مدنظر (خدا) از علم و قدرت مطلق برخوردار است و کسی که این‌گونه باشد قطعاً باید طراحی‌اش کامل و استوار بوده و از نواقص بزرگی چون ضعف ستون فقرات در انسان به دور باشد.

سیداحمدالحسن الرضوی :

در مشابه، حکمت‌هایی وجود دارد؛ از جمله فهمیدن نیاز و اضطرار به معصوم ﷺ و نیز زنده نگه داشتن امیدواری در نفس‌ها؛ همچنین امتحان و آزمایش.

متشابهات، ج ۱، س ۱۹



نتیجهٔ تکامل گسترش یافته است؛ تا جایی که ارث‌بری تکامل انباشتی، به بروز خطایی آشکار در طراحی منجر شده است.



این خود کاملاً بیان‌کنندهٔ آن است که خالق اصلی و اصیل، همان الله، خداوندگار مطلق است؛ ولی خالق مستقیم، خداوند سبحان نیست؛ بلکه چنین خالق، مخلوقاتی شایسته هستند که به فرمان خداوند، مسئولیت آفرینش را عهده‌دار شده‌اند و نقص خویش را در این آفرینش منعکس ساخته‌اند؛ زیرا خود، مخلوقاتی نورانی هستند که دارای ظلمت نیز هستند. تنها نوری که در آن ظلمت نیست، همان خدای سبحان (أحسن الخالقین) است. اوست که عقل اول یعنی حضرت محمد ص را آفرید و از او، نخستین انوار را خلق کرد؛ سپس او با حول و قوهٔ خودش آن‌ها را آن‌گونه

حنجره نه‌تنها هیچ سود واقعی به‌دنبال ندارد، بلکه به حال جاندار زیان‌بخش نیز است؛ چراکه با این طول و درازی، احتمال اینکه جاندار در معرض آسیب قرار گیرد، بیشتر است؛ در حالی که اگر عصب کوتاه می‌بود و درازیش به‌اندازهٔ نیاز بود، این احتمال کاهش می‌یافت.

کسانی که قائل به آفرینش یک‌باره هستند، نمی‌توانند این اشکال را به شیوه‌ای منطقی برطرف کنند؛ زیرا اشتباه به‌وجودآمده در عصب حنجره اشتباهی بزرگ است و به همین دلیل برای نقض طراحی هوشمند در همهٔ اندام‌ها و بخش‌های بدن و برای همهٔ گونه‌ها کفایت می‌کند. نمی‌توان این خلل، آن‌هم در این سطح دوربودن از طراحی هوشمند را تفسیر کرد، مگر این‌که عبارت از یک ارث تکاملی باشد.

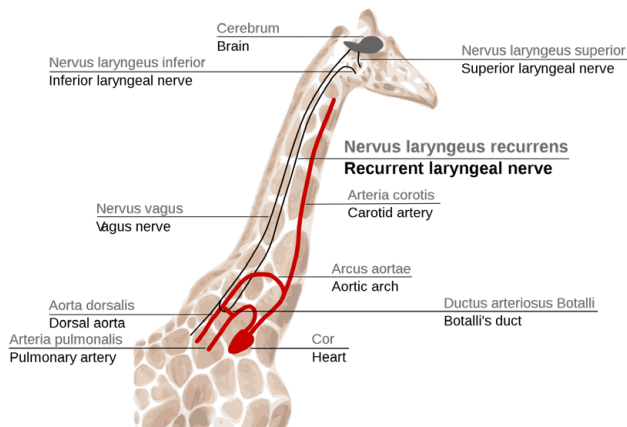
اما کسانی که قائل به تکامل هستند و در عین حال طراحی هوشمند را قبول دارند، اگر بگویند که طراح، لاهوت مطلق است و از علم و قدرتی مطلق برخوردار است، اشکال مزبور همچنان پابرجا و مطرح خواهد ماند؛ زیرا بروز نقص و ایراد در طراحی موجودات زنده، در واقع نفی‌کنندهٔ علم مطلق طراح محسوب می‌شود؛ ولی اگر همان چیزی را بگویند که خداوند در قرآن فرموده مبنی بر اینکه آفرینش یا طراحی و اجرای خلقت با دستان خدا یعنی به‌واسطهٔ مخلوقات خداوند سبحان صورت پذیرفته است، در این حالت می‌توان بر نقص طراحی، دلیل اقامه کرد و می‌توان بروز خطایی کوچک در طراحی در زمان آغاز تکامل را در نظر گرفت که در

سیداحمدالحسن العلی :

محکم کردن تشابهات که از وظایف معصوم العلی است علامت و نشانه‌ای است که با آن امام مهدی العلی و کسی که از جانب او العلی ابلاغ می‌کند شناخته می‌شود.

متشابهات، ج ۱، س ۱۹

ما وسعت‌دهنده هستیم).



شاید برخی از آن‌ها بگویند: ممکن است برای وضعیت ستون فقرات در انسان به این شکل و نیز نقشه عصب حنجره در بدن به این صورت، فواید خاصی در مسیر تکامل یا حتی در مراحل معینی از عمر وجود داشته باشد. در حقیقت این امر حتی اگر صحیح باشد و شکی در آن راه نیابد، باز هم این مطلب را که چنین چیزهایی ارثی تاریخی تکامل بوده و نفی‌کننده آفرینش یک‌باره است، رد نمی‌کند. همچنین این قضیه را که «چنین طراحی‌ای، از عالم قادر مطلق صادر نشده است» رد نمی‌کند؛ چراکه می‌توان تصور کرد طرحی بهتر از آن می‌توانسته وجود داشته باشد و این خود به آن معناست که طراحی فعلی برترین و آرمانی‌ترین و کامل‌ترین نبوده است و در نتیجه از اذعان به آنچه خداوند در قرآن بیان فرموده مبنی بر اینکه دستان خداوند در آفرینش نقش داشته‌اند، گریزی نیست.

منبع:

۱. احمد الحسن، عقاید اسلام، ترجمه فارسی، صفحه ۳۷ الی ۴۱.

که اراده فرموده بود، به آفرینش فرمان داد. به همین دلیل خداوند فرموده است:

(وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) (مؤمنون، ۱۲ تا ۱۴)

(هرآینه ما انسان را از عصاره‌ای از گِل آفریدیم * سپس او را نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم * آنگاه از آن نطفه، لخته خونی آفریدیم و از آن لخته خون، پاره‌گوشتی و از آن پاره‌گوشت، استخوان‌ها را آفریدیم و استخوان‌ها را با گوشت پوشاندیم؛ سپس او را آفرینشی دیگر دادیم. در خور تعظیم است خداوند، بهترین آفرینندگان).

به مفرد و جمع در آیه فوق بنگرید: «خَلَقْنَا، جَعَلْنَاهُ، خَلَقْنَا، فَخَلَقْنَا، فَخَلَقْنَا، فَكَسَوْنَا، أَنشَأْنَاهُ». سپس آیه با بیان این مطلب که مهمن و مسلطی که بر آفریننده‌های مستقیم خلق سایه افکنده، همان خداوند سبحان است، پایان می‌یابد: (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) (در خور تعظیم است خداوند، بهترین آفرینندگان).

همچنین خداوند، وضعیت این آفریننده‌ها را توصیف کرده است و می‌فرماید این‌ها دستان خداوند هستند؛ یعنی کسانی که خداوند «أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» به واسطه آن‌ها اقدام به آفرینش نمود:

(وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ) (ذاریات، ۴)

(و آسمان را با دستانی برافراشتیم و حقا که

سید احمد الحسن علیه السلام:



چنین بوده‌اند.

متشابهات، ج ۱، س ۲۰



انتخاب الگوی شایسته

ضرورت الگوسازی برای کودکان از کلام سید احمد الحسن علیه السلام و علم روان شناسی

مشاهده کرد. این مسئله در رفتارهای حرکتی و حتی چهره فرد به وضوح نمایان می‌شود.



پس بهتر است والدین با ارائه الگوی مطلوب و مؤثر، در انتخاب رفتارهای زندگی به او کمک کنند. الگوی مناسب در برخورد با مسائل مختلف اخلاقی، سیاسی و ارزش‌های اجتماعی می‌تواند کارآمد باشد.

ویژگی‌های یک الگوی کارآمد:

۱. کسی که به‌عنوان الگو می‌تواند متمرکز باشد، باید

در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِلْسِنَتِكُمْ»

«مردم را با رفتار خویش به حق دعوت کنید نه با زبان خویش». (سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۷۸)

آلبرت بندورا، روان‌شناس محقق و یکی از نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی معتقد است که بخش مهمی از آنچه شخص یاد می‌گیرد از طریق تقلید و الگوگیری است. وی در این باره تأکید دارد که افراد از طریق تقلید رفتار افراد دیگر یا الگو قرار دادن آن‌ها یاد می‌گیرند. گاهی رفتار از طریق تقلید یک رفتار خاص همانند نماز خواندن و گاه رفتار سازمان‌یافته‌ای از طریق مربی به کودک آموزش داده می‌شود.

الگوگیری در سنین کودکی و نوجوانی گاه به‌طور نمادین اتفاق می‌افتد. این را می‌توان در الگوگیری کودک یا نوجوان از قهرمان برنامه‌های تلویزیونی، ورزشی و شخص مورد علاقه‌اش

یکی از کارآمدترین روش‌های تربیت که غالباً والدین از آن بهره می‌جویند تربیت به روش الگوسازی است.

در این روش کردار مطلوب عملاً در معرض دید مربی قرار می‌گیرد.

مربی با همانندسازی شخصی که به‌عنوان الگو برای او مدنظر قرار گرفته است، ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی فرد را سرمشق خود قرار می‌دهد.

در این مقاله سعی بر این شده است که یکی از روش‌های تربیتی از طریق الگوسازی از دیدگاه روایات و علم روان‌شناسی و کلام سید احمد الحسن علیه السلام بررسی شود. گاه والدین خود الگوی مناسب در ذهن کودک خود هستند و گاه والدین با انتخاب الگوی شایسته، تربیت کودک را تسهیل می‌بخشند. شاید بتوان گفت بیشتر از آنچه شنیده‌ها بر عملکرد انسان مؤثر باشد، رفتار عملی می‌تواند عاملی مؤثر در انتخاب عملکرد فرد باشد.

سید احمد الحسن علیه السلام :

بزرگان علمای شیعه با امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به نبرد برخاستند و کوشیدند آن حضرت را از حقش بازدارند.

متشابهات، ج ۱، س ۲۰



ساخت.
یمانی موعود، سید احمد الحسن علیه السلام
در پرسش ۵۸۰ از همین کتاب
می فرمایند:

۶۶

«ایا در فاطمه و آنچه برای او
پیش آمد الگویی برای شما
نیست؟ ایا در زینب و آنچه
برای او پیش آمد الگویی برای
شما نیست؟ به خدا سوگند
اگر صبر پیشه کنید و با چنگ
و دندان به دینتان محکم چنگ
بزنید، همه خیر دنیا و آخرت را
خواهید دید...»

۶۶

نتیجه گیری

از روش های کارآمد در تربیت
کودک، انتخاب الگوی شایسته
برای کودک است که شخص الگو
باید قبل از الگودهی، خودسازی
کرده باشد و رفتار و گفتار یکسانی
داشته باشد و در این راه از محبت
نیز بهره بجوید. این منش و
کردار در رفتار اهل بیت به وضوح
دیده می شود.

* فردی که تحت تربیت والدین یا
معلمان یا اصلاحگران اجتماعی
قرار دارد.

وقتی کلام فرستاده امام مهدی
و نایب بر حق ایشان، سید
احمد الحسن علیه السلام را نیز بررسی
می کنیم، می بینیم ایشان نیز
برای خود الگویی از اهل بیت
قرار داده اند؛ تا آنجا که در پرسش
دهم از پرسش ۲۳۶ پاسخ های
روشنگرانه می فرمایند:

۶۶

«ایا برای من و انصار الگویی در
حسین نباشد؟»

۶۶

پس انتخاب الگو نه تنها برای
کودک و نوجوان، بلکه برای
مسلمانان نیز باید هریک از
اهل بیت باشند.



این را می توان برای کودک با
تعریف برخوردهای دل نشین
اهل بیت با کودکان دلپذیر

قبل از دگرگون سازی، خودسازی
کرده باشد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا
فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ
قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ»

«آن که خود را پیشوای مردم
می سازد، پیش از تعلیم دیگری
باید به ادب کردن خویش
پردازد.» (نهج البلاغه، حکمت
۷۳)

۲. شخصی می تواند الگوی
مناسبی برای کودک باشد که
رفتار و گفتار یکسانی داشته
باشد. در روایات ما همواره بر
این تأکید شده است که هر
آنچه برای خود می پسندی، برای
دیگران هم بپسند. نمی شود که
انسان دیگران را امر به کاری کند،
در حالی که خود ملزم به انجام
آن عمل نیست.

۳. در الگوسازی از محبت کردن
نباید غافل شد.

بدیهی است که برای مسلمانان
بهترین الگوهای نظام هستی،
پیامبر و اهل بیت علیهم السلام
هستند؛ چنانچه قرآن کریم درباره
پیامبر می فرماید:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ
أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) (احزاب، ۲۱)

(همانا رسول خدا برای شما
سر مشق نیکویی است...).

سید احمد الحسن علیه السلام:

علمای سوء بی عمل و طاغوتیان و اعوان و اتباع آنها، کسانی هستند که آیتام را از
مقاماتشان باز می دارند و برای اعطای حق مساکین به آنها هیچ تلاشی نمی کنند.

متشابهات، ج ۱، س ۲۰



احکام پزشکی در کلام سید یمان علیه السلام



امروزه در دندانپزشکی‌ها برای ترمیم یا کاشت دندان از ماده‌ای استفاده می‌شود که حاوی پروتئین‌هایی است که از جنین بدن و استخوان خوک ساخته شده؛ آیا استفاده از این ماده، حرام است یا حلال؟
آیا گفتن این مطلب به بیمارانی که این ماده را برایشان استفاده می‌کنیم واجب است؟
آیا به خاطر ندانستن حکم استفاده از آن تا پیش از این، مرتکب گناه شده ایم؟



استفاده از این ماده جایز است و گفتن این مطلب به بیمارانی که از این ماده استفاده می‌کنند واجب نیست.
بر کسی که از آن برای بیمارانش استفاده می‌کند گناهی نیست؛ بلکه پزشک اگر تئیش را درمان بیمار برای نزدیکی به خداوند سبحان و متعال قرار دهد، به خاطر درمانش پاداش می‌گیرد.

سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه، جلد ۲

سید احمد الحسن علیه السلام:

ایتام و مساکین، انبیا و فرستادگان و ائمه علیهم السلام هستند؛ چرا که این عده برای خدا خاضع و فروتن هستند و تکبر نمی‌ورزند؛ یعنی مساکینی هستند که کسی به آن‌ها نمی‌رسد و هریک از آن‌ها در

قومش تک‌وتنهاست. متشابهات، ج ۱، س ۲۰



حکم تشریح جسد میت به صورتی که امروزه در بسیاری از بیمارستان‌های دولت‌ها انجام می‌شود چیست؟



تشریح جسد میت مؤمن جایز نیست، مگر در صورتی که شک و تردید در وقوع جرم یا مرضی وجود داشته باشد که عموم مؤمنان را تهدید می‌کند.

سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی متفرقه، جلد یک



آیا زدن واکسن جایز است؟ بسیاری از انواع واکسن‌ها محتوی ماده سمی تیمروسال و مواد سمی دیگری هستند. حکم این مسئله در خصوص پزشکی که واکسن را به دیگران می‌زند و نیز کسی که واکسن را دریافت می‌کند چیست؟ مخصوصاً کودکان، با توجه به اینکه واکسن‌ها حاوی مواد سمی و مضر است.



دادن واکسن‌ها به افراد بزرگ و کوچک برای پزشک جایز است؛ البته تا زمانی که درباره واکسن‌ها تحقیق و منفعت داشتن آن‌ها ثابت شده باشد و اینکه برای کاربرد انسانی مناسب باشد.

سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی متفرقه، جلد دو

سید احمد الحسن علیه السلام:

با تأسف همواره در نهایت کار، بسیاری از این منتظرین شکست می‌خورند و کوتاهی می‌ورزند.

متشابهات، ج ۱، س ۲۰





حکم شرعی Active Euthanasia (اُتانازی = مرگ خودخواسته توسط بیمار در شرایطی آرام و طبیعی) چیست؟ که شکر خدا در سوند اجازه داده نشده است.



کشتن بیمار جایز نیست؛ حتی اگر بیمار از بیماری رنج بکشد و قطع و یقین وجود داشته باشد که به زودی خواهد مرد. در صورتی که زندگی بیمار وابسته به تجهیزات یا کمک غذایی باشد، می‌توان این تجهیزات یا رساندن مواد غذایی را متوقف کرد تا به پایان رسیدن زندگی مریض تسریع شود.

سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی متفرقه، جلد چهار



حکم شبیه‌سازی انسان در رحم و غیر رحم چیست؟



برداشتن نطفه‌ای از یک مرد و کاشتن آن در رحم همسرش جایز است؛ همچنین جایز است که سلول تخم از همسر یا زن دیگری برداشته شود؛ مشروط بر اینکه هسته آن با هسته نطفه گرفته شده از همسر آن زن، جایگزین شود.

سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی متفرقه، جلد دو

سید احمد الحسن علیه السلام:

علمای یهود که در انتظار عیسی علیه السلام بودند شکست خوردند.

متشابهات، ج ۱، س ۲۰



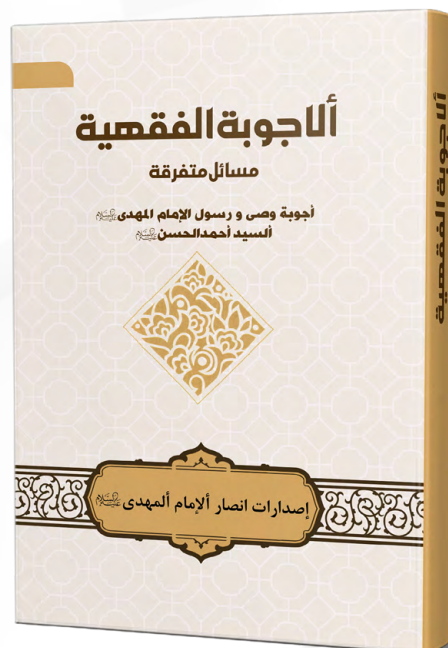


پدری ۶۳ ساله دارم که همیشه دچار ضعف و سستی است و تحمل سرمای کولر را ندارد و در تابستان بیرون از اتاق می‌خوابد. بیشتر اوقات وضعیت او به گونه‌ای می‌شود که توانایی راه رفتن ندارد؛ اما وقتی که تریاک می‌کشد حالش خیلی خوب می‌شود. لازم به ذکر است که او معتاد به تریاک نیست؛ اما وقتی از آن استفاده می‌کند حالش به مراتب بهتر می‌شود. آیا می‌تواند برای درمان آن را مصرف کند؟



استعمال مواد مخدر جایز نیست و اگر وضعیت او به گونه‌ای است که به درمان با آرام‌بخش نیاز دارد می‌تواند به پزشک مراجعه کند تا درمان مناسبی برای او تجویز نماید.

سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی، مسائل متفرقه، جلد ۴



سید احمد الحسن علیه السلام :

«فرجام کار این منتظرانِ ناکام، خسارت و زیان‌باری است؛ چراکه عمل در پیشگاه امام مهدی علیه السلام را رها کرده و وصی و فرستاده او را تکذیب نموده‌اند.

متشابهات، ج ۱، س ۲۰

حضرت زینب مقتدایی برای زنان با ایمان

ایشان بی درنگ قیام را انتخاب کردند...

و در دهم محرم و بعد از آن به تنهایی سپاه و امتی شد... خودش را با کرامت و سخاوت بر مرگ عرضه کرد، و هدف خود را به بهترین وجهی که قابل تصور است به انجام رساند و از زندگانی علی بن حسین سجاد ع محافظت کرد؛ به همین سبب ایشان بابت استمرار امامت و سلسله جانشینان و پیامبران خدای سبحان، دارای مقام بزرگی است...

و هر زنی برایش امکان پذیر است که در هر زمان و مکانی از آنچه زینب ع انجام داد عبرت و الهام بگیرد، و از ظرفیت جایگاه او بهره ببرد و به ایشان به عنوان سمبل و نماد عالی زن و انسانیت اقتدا کند، حتی اگر به او ایمان نداشته باشد...

برای هر زنی امکان دارد که برای بزرگترین هدف در زندگی دنیا که همان ایستادگی به همراه حق و عدالت و انصاف علیه باطل و ظلم و طغیان است به پا خیزد. و بر هر زنی واجب است بداند که ارزش گذاری بسیاری از

می کرد.

حضرت زینب علیها السلام الگوی کامل ولایت پذیری و حامی امام زمان خویش است و در شرایطی که امام و فرزندان و بهترین خلق از یاران و برادران خود را از دست دادند و حالت ژنی اقتضا می کرد که شکسته و فرتوت گردند و به طور معمول به عزاداری پردازند، اما خود به تنهایی سپاه و امتی شدند و خویش را با کرامت و سخاوت بر مرگ عرضه کردند و به حمایت از امام زمان خویش پرداختند.

سید احمد الحسن علیه السلام یمانی موعود در این باره می فرماید: «زینب دخت علی سببی برای استمرار امامت و خلافت الهی بود... با وجود آنکه امام و خانواده خود را از دست داده بود...

و بهترین های اهل زمین از یاران برادران و پدر خود را از دست داده بود...

و همه این ها در یک لحظه رخ داد...

ولیکن شکسته نشد؛ چنانچه حالت طبیعی ژنی انسانی این طور اقتضا می کند.

تبلیغ به معنای رساندن پیام خداوند به بندگان و یک وظیفه الهی به شمار می آید.

این وظیفه الهی منحصر در گروه و جنسیت خاصی نیست و در چارچوب خاص، به همه انسان ها و قشر بانوان نیز مربوط می شود. در این میان حضرت زینب به عنوان بخش غیرقابل انکار واقعه عاشورا به عنوان الگوی مؤثر تبلیغی شناخته می شود.

پس از برشی تاریخی در زندگانی حضرت زینب می بینیم که این بزرگوار رحلت جد بزرگوار خویش، شهادت مادرشان حضرت زهرا، غصب خلافت امام علی، بروز جنگ های جمل، صفین، نهروان، شهادت پدر، صلح امام حسن، شهادت برادر بزرگوارش امام حسن و حضور در حادثه عظیم کربلا را تجربه کردند و به تدریج با توطئه ها و دسیسه های اسلام دروغین آشنا شدند.

حضرت زینب علیها السلام بارقه ای از اقتدار و پیشوایی پدر را به ارث برده بودند و در سخنرانی خود در برابر یزیدیان به گونه ای سخنرانی کردند که گویا حضرت علی سخنرانی

سید احمد الحسن علیه السلام :

علمای یهود و احناف نیز در انتظار برای محمد صلی الله علیه و آله شکست خوردند؛ در حالی که یهودیان، شهر یثرب را برای استقبال از حضرت محمد صلی الله علیه و آله به هنگام قیام او بنا کرده بودند. متشابهاً، ج ۱، س ۲۰



**هستی که آموزش داده نشده‌ای
و اندیشمندی هستی که بدون
اینکه کسی به تو بفهماند
می فهمی.**

حضرت زینب علیها السلام در خطابه و سخنرانی‌ها و مجالس عزاداری (در محله‌ای به نام دارالحجارة) و با استفاده از دعا نقش تبلیغی خویش را به بهترین نحو انجام دادند.

سید احمد الحسن وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام با ارائه نکاتی ارزشمند، مخالف انحصار تبلیغی در مردان هستند و با توجه به آیات ۳۲ و ۵۳ سورة مبارکه احزاب به این نکته اشاره می کنند که زنان پیامبر در مقابل مردان صحبت می کردند که آیه به صحبت در پشت حجاب و نفی از صحبت با نرمی در برابر مردان اشاره می کند و آیه ۲۶ سورة مریم نشانگر این است که حضرت مریم با مردان صحبت می کردند که قرآن در بازه زمانی سه روز ایشان را از صحبت کردن باز می دارد.

پس تبلیغ فارغ از مسئله جنسیت است و الگوی تبلیغی حضرت زینب نیز منحصر به بانوان نیست و مردان نیز می توانند به حضرت زینب علیها السلام اقتدا کنند.

خون به ناحق ریخته شده امام زمان خویش شدند و جنایات یزید و یزیدیان را در صفحه تاریخ نابود کردند.



در آیات قرآن نیز بر اهمیت تبلیغ اشاره شده است:

(وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) (آل عمران، ۱۰۴)

(از شما مسلمانان باید گروهی باشند تا مردم را به خیر بخوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند). امام سجاد علیه السلام درباره حضرت زینب این گونه می فرماید:

«انْتَ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ وَفَهْمَةٌ غَيْرُ مُفَهِّمَةٍ» (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۹)

«تو (حضرت زینب علیها السلام) عالمی

مردان درباره زن یا به طور کلی سخنانشان درباره زن، هیچ ارزش حقیقی ندارد؛ بلکه صرفاً از افکار جنسی - که عقلشان را پر کرده و سرشان از این افکار لبریز شده - پرده برمی دارد و نه بیش از آن؛ بنابراین بسیاری از مردان، تفاوتی ندارد دین دار باشند یا بی دین، زن را به عنوان یک بازیچه جنسی در ذهن خود ترسیم می کنند که بسته به شرایط هریک از آنها، باید از آن استفاده یا نگهداری شود...

پس می بینید این برادران در وسواس تفکرات جنسی اسیر هستند؛ مثلاً اگر متدین باشند قضیه زینب را فقط در حجاب خلاصه می کنند، و اگر هم غیر متدین یا خداناباور مبتذل یا تجار منفعت طلب باشند، همه هدفشان این است که زن، مبتذل یا برهنه در هر مکان و زمانی ظاهر شود...

این ها نمی توانند به این دید نگاه یا فکر کنند که زن، انسان تکامل یافته مستقلی است که گاهی اوقات از مردان تواناتر است؛ بلکه حتی مردان عاجزند از اینکه جایگاه زن را پر کنند یا آنچه او توانش را دارد، انجام دهند.

در واقع حضرت زینب علیها السلام مدافع

سید احمد الحسن علیه السلام:

عمل در پیشگاه آن حضرت علیه السلام بهترین نمازی است که یک مؤمن به پا می دارد.

متشابهات، ج ۱، س ۲۰





دخت کوثر

بنازم همت و نیروی زینب
بُود اندر خصال و خوی زینب
نشد خم لحظه‌ای ابروی زینب
چو بلبل غمزه‌ی جادوی زینب
ولیکن شد سپید گیسوی زینب
دهد خون بین مقل بوی زینب
بندد او دخیل بر کوی زینب
دل این شب به سمت و سوی زینب
جهان کم کم شود بازوی زینب
بُود الگوی ما الگوی زینب

بُود تفسیر والشمس روی زینب
ندیدم شیرزن در طول عمرم
مصیبت‌ها اگر در کربلا دید
چومستان در اسارت خطبه خوانده
میان بند شد یار وصیت
چنین معشوق نبود بهر عاشق
بگو مظلوم گیرد دامنش را
شکایت من برم از دست ظالم
چو داده درس غیرت دخت کوثر
شعارم احمد و رهبر محمد

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد
ای یهودیان! فرستاده ایلایا آمده است.
ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.
ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد
می شود، اکنون در میان ماست.
ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام
مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،
سالهاست که منتظر شماست.
ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با
سندی از علم و شگفتی ها آمده است.